

حل معمای ازدواج با تئوری انتخاب

ازدواج بدون شکست

دکتر ویلیام گلسر / کارلین گلسر

مترجم: دکتر علی صاحبی

www.ketab.ir



سایه سخن

از دواج بدون شکست

حل معمای ازدواج با تئوری انتخاب

نویسنده: دکتر ویلیام گلسر / کارلین گلسر

مترجم: دکتر علی صاحبی

طبع: چاپ محمد مهدی صنعتی

ناظر چاپ: ابودر طکیان

صفحه آرای: غ. حرمشاهی

ویرایش ادبی: امیرحسین حبیبی / الهام اثنی عشری

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳ / دهم / ۱۳۹۶ / بیستم ۱۳۹۸

بیست و هفتم ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: و اصف

چاپ متن: عطا

چاپ جلد: همارنگ

صحافی: فرانگر

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، کوچه

بهشت آیین، پلاک ۱۹، طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۹۶۴۱۰ — ۶۶۹۶۲۴۵۶ — ۰۹۱۲۶۴۹۱۸۲۸

Website: www.sayehsokhan.com @sayehsokhan

.....
به حقوق دیگران احترام بگذاریم.

دوست عزیز، این کتاب دسترنج چندساله مؤلف و مترجم و

ناشر آن است. تکثیر و فروش آن به هر شکلی و بدون اجازه

پدیدآورندگان، عملی غیراخلاقی و غیرقانونی و غیرشرعی است.

این عمل نادرست، باعث بی‌اعتمادی در سطح جامعه و ایجاد

محیطی ناسالم برای خود و فرزندانمان می‌شود.

قیمت با CD: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

۹	درآمد.....
۱۳	چگونگی پدیدآیی این کتاب.....
۱۷	فصل ۱: ازدواج من یک معماست.....
۲۱	فصل ۲: بحران لاری.....
۳۱	فصل ۳: کنترل بیرونی: عادت ویرانگر زندگی های زناشویی.....
۴۱	فصل ۴: داستان کارلین.....
۴۷	فصل ۵: رابطه نیازهای اساسی و ازدواج خشنود.....
۶۹	فصل ۶: رابطه جنسی بعد از ازدواج.....
۸۱	فصل ۷: پاسخ.....
۹۵	فصل ۸: دنیای مطلوب ما عشقمان را تأیید می کند.....
۱۰۵	فصل ۹: هسته ژنتیکی شخصیت ما؛ شدت نیازهای ما.....
۱۴۵	فصل ۱۰: فقط می توانیم رفتار خودمان را کنترل کنیم.....
۱۶۱	فصل ۱۱: رفتار کلی.....
۱۷۷	فصل ۱۲: واکنش های بعدی.....
۱۹۱	فصل ۱۳: اخلاقیت، آخرین جزء تئوری انتخاب.....
۱۹۹	فصل ۱۴: ازدواجی رضایت مند و خلاق.....

درآمد

تمامی موجودات بدون هیچ مضایقه‌ای می‌کوشند که به اندازه کافی زنده بمانند تا تولیدمثل کنند و نسلشان ادامه یابد. موجودات رده پایین تر برای رسیدن به این مقصود دستورالعمل‌های لازم را در خزانه ژنی خود دارند و به یادگیری و برنامه‌ریزی برای تولیدمثل و ادامه نسل نیاز ندارند. برای مثال، ماهی قزل‌آلای بالغ در موعد تولیدمثل تخم‌ریزی، تلاش می‌کند خود را به زادگاهش برساند. در آن جا ماهی ماده تخم‌ریزی و ماهی نر تخم‌ها را بارور می‌کند؛ سپس هر دو ماهی می‌میرند. شاید برخی از ما از چرخه زندگی این ماهی بی‌اطلاع بوده‌ایم، با این حال می‌دانیم که قزل‌آلای نمی‌تواند رهایی از این تبلیغ بقا و مبارزه برای زندگی را انتخاب کند و برای گریز از تولیدمثل انتحارگونه‌ای که در ژن‌هایش برنامه‌ریزی شده، راهی ندارد.

اما انسان‌ها، وقتی موضوع تولیدمثل به میان می‌آید، ممکن است انتخاب‌های متعددی داشته باشند. البته کشش جنسی روی ژن‌های ما نیز نوشته شده است و در بسیاری از ما، در دوران بلوغ، این کشش به همان قدرتی است که در ماهی قزل‌آلای وجود دارد. در واقع، برنامه‌ریزی ژنتیکی به دنبال آن است که برای ادامه حیات انسان، به اندازه کافی زادوولد صورت گیرد و ما آخرین افراد این گونه نباشیم.

حتی به وضوح می‌توان تشخیص داد که برنامه‌ریزی ژنتیکی، ما را به خوردن و

خوابیدن و استراحت سوق می‌دهد. از این رو، لازم نیست به نوزادان یاد بدهیم به حالت گرسنگی یا خستگی خود توجه کنند، زیرا این فعالیت‌ها از قبل روی ژن‌هایشان برنامه‌ریزی شده است؛ اما تفاوت بزرگی انسان و دیگر حیوانات این است که در دیگر موجودات مجموعه‌ای از رفتارهای پیچیده برآورنده نیاز در ژن‌هایشان برنامه‌ریزی شده است. مثلاً، قزل‌آلا برای بازگشت به زادگاهش نیاز ندارد نقشه‌خوانی بیاموزد یا راه را به او یاد بدهند یا ماهی ماده یاد بگیرد در کف رودخانه چاله‌ای حفر کند و تخم‌هایش را در جایی محفوظ بریزد یا ماهی نر یاد بگیرد اسپرم خود را در تخم‌ها القاء و آن‌ها را بارور کند. تمام این رفتارهای اختصاصی را ژن‌ها از قبل تعیین کرده‌اند و ماهی فقط آن‌ها را اجرا می‌کند.

اما آدمی تقریباً هیچ‌یک از این رفتارها را در برنامه‌ریزی ژنتیکی خود ندارد. وقتی پای تولیدمثل به میان می‌آید، همانند ماهی قزل‌آلا، از طرف ژن‌ها دستور و فشار دریافت می‌کند که خود را در رابطه جنسی درگیر و جفت‌گیری کند، ولی برخلاف قزل‌آلا، باید چگونگی آن را یاد بگیرد. از آن مهم‌تر، حتماً باید شیوه مراقبت از نوزاد خود را نیز بیاموزد. اگر این کارها را یاد نگیریم، نسل ما هرگز دوام نمی‌آورد یا شاید هرگز نسل دیگری متولد نشود. البته ممکن است نوعی «غریزه مادری» داشته باشیم، ولی همچنان باید مهارت‌های مراقبت و نگهداری از نوزاد را بیاموزیم.

با این حال، وقتی موضوع «رفتار» مطرح می‌شود، می‌توان گفت به لحاظ رفتاری نیز با لوح سفید و ژن خالی از هرگونه اطلاعات به دنیا نیامده‌ایم. اگرچه برنامه‌ریزی ژن‌های ما بسیار عمومی‌تر و غیراختصاصی‌تر از برنامه‌ای است که روی ژن‌های ما یا پرندگان نوشته شده است، باید از همان برنامه کم و بسیار عمومی تبعیت کنیم. از دیدگاه تئوری انتخاب مهم‌ترین دستورالعمل‌های ژن‌های انسان که هیچ راهی برای فرار از آن وجود ندارد و همگان از آن پیروی می‌کنند، پنج نیازی است که باید در تمام عمر آن‌ها را ارضا کنیم.

- این نیازها عبارت‌اند از:
۱. نیاز به عشق و احساس تعلق؛
 ۲. نیاز به آزادی؛
 ۳. نیاز به پیشرفت و خودشکوفایی؛
 ۴. نیاز به تفریح؛
 ۵. نیاز به بقا و زنده ماندن.

البته باید گفت که در ژن‌های ما، برخلاف دیگر موجودات، هیچ دستورالعملی برای چگونگی ارضای این نیازها پیش‌بینی نشده است و ما باید روش‌های ارضای این نیازها را بیاموزیم.

در طول قرن‌ها، یکی از راه‌هایی که انسان برای ارضای نیازهای خود آموخته، ازدواج است. درست است که گرایش جنسی روی ژن‌های ما تعبیه شده، ولی ازدواج به عنوان رفتار و انتخابی برای ارضای نیاز جنسی هرگز در خزانه ژنی ما وجود ندارد و باید آن را بیاموزیم.

ما انسان‌ها می‌دانیم که هوش و ذکاوت و قدرت یادگیری در وجود ماست، ولی ریاضیات، نگارش، فیزیک و شیمی در ژن‌های ما نیست و باید آن‌ها را یاد بگیریم و به همین دلیل به کلاس می‌رویم یا معلم خصوصی می‌گیریم یا کتاب می‌خوانیم؛ ولی برای ازدواج می‌پنداریم چون به رشد جسمانی و بلوغ جنسی رسیده‌ایم و ژن‌ها ما را به جفت‌جویی سوق می‌دهند، پس آماده‌ایم و به یادگیری رفتار با جفت یا همسر و چگونگی باهم ماندن نیاز نداریم و در این زمینه کم‌تر به آموزش احساس نیاز می‌کنیم. همین نگرش به این تلقی دامن زده است که چون گرایش به جنس مخالف خودبه‌خود اتفاق می‌افتد، کنار آمدن و همزیستی با او نیز ساده است و خودبه‌خود شکل می‌گیرد؛ اما واقعیت این است که چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و ما امروز با مشکلات زناشویی فراوانی روبه‌رویم.